



از آنجایی که گفت‌وگوهای ما موضوع محور و بدون تاریخ انقضاست، به بهانه «هم‌گناه» درباره یافتن استعداد، نقش گویش و بیان موثر در بازی و تأثیر اجرا در بازیگری با شما صحبت می‌کنیم. تمام تلاش من بر این است که اجرا هیچ تأثیری در بازی‌ام نگذارد. اگر قرار بود همان کاری را که در اجرا می‌کردم حالا در بازیگری انجام دهم، این یک نقطه ضعف بزرگ محسوب می‌شد و اصلاً دیگر چه نیازی بود که وارد حوزه بازیگری شوم. کار اجرا هیچ تأثیری در بازیگری من نداشته و نباید داشته باشد. هر کسی که کار اجرا را دنبال می‌کند، باید یک سری اصول و قواعد حرفه‌ای اجرای تلویزیونی را رعایت کند و برای کسی که در رادیو کار می‌کند قواعد با تلویزیون بسیار متفاوت است. برای کسی هم که بازی می‌کند باز اصول دیگری وجود دارد. من حتی زمانی که مجری بودم و همزمان کار تئاتر را شروع کرده بودم، دوره بدن و بیان برای تئاتر را نزد میکائیل شهرستانی گذراندم. بیان و گویش موثر در بازی یک امر جداگانه است و موقتی در قرن بیست و یکم از بیان موثر صحبت می‌کنیم، منظورمان فقط حرف زدن خوب و تأثیر گذار نیست. چون بیان به خصوص در بازی، مجموعه‌ای از عوامل را در برمی‌گیرد که شامل سکوت، زبان بدن و خود کلام است تا بتواند تأثیر گذاری حسی بیشتری داشته باشد و منظور من از بیان در بازی همین است. این مساله نه تنها در بازی من، بلکه در بازی هر بازیگری نقش بسیار جدی و مهمی دارد.

فکر می‌کنم هر آدمی می‌تواند استعدادهای خودش را کشف کند به شرطی که کمی واقع بین باشد. خیلی‌ها به بازی کردن و خواندن، صرفاً علاقه دارند و ماهیچه استعدادی در آن‌ها نمی‌بینیم و همین موضوع به فجایی منتج می‌شود که گاهی اوقات در فضای اینستاگرام شاهدش هستیم؛ مثلاً می‌بینیم که یک نفر با خوانندگی، نوازندگی و حتی بازیگری‌اش متأسفانه مضحکه می‌شود. همه ابزارهایی که هر انسانی در اختیار دارد را یک بازیگر هم دارد ولی از آن‌ها در جهت بازی کردن استفاده می‌کند و شاید به همین سبب است که بازیگری به نظر ساده می‌آید؛ مثلاً آل پاچینو هم از همان دست، نگاه و بیان استفاده می‌کند. اگر کسی نحوه به خدمت گرفتن این ابزار را بلد باشد یا زمینه‌ی آموزش را داشته باشد یک آدم مستعد است که باید پرورش پیدا کند.

من تئاتر را تقریباً همزمان با رادیو آغاز کردم. چند ماه بعد از اینکه وارد رادیو شدم به تشویق میثم عبدی به تئاتر پیوستم و از روز اول مینا بر این بود که من آن کاری را که در رادیو انجام می‌دهم، در تئاتر انجام ندهم و اصلاً قرار هم نبود که این اتفاق بیفتد.

روزهای اول بود و من تجربه کمتری داشتم، بنابراین خیلی دشوار بود که روی صحنه تئاتر شبیه گوینده‌ها نشوم، اما بالاخره بعد از کلی مرارت توانستم این تفکیک را قائل شوم. اگر قرار بود در این کار موفق نشوم، قاعدتاً خودم همان موقع باید متوجه می‌شدم، بعد از اینکه وارد عرصه تئاتر شدم

خیلی سریع با اصغر دشتی و محمد رحمانیان کار کردم که مقوله تئاتر و بازی برای آن‌ها بسیار جدی است. کار با این آدم‌ها به من نشان می‌داد که ظاهراً اصول و قواعد اولیه تئاتر را درست رعایت می‌کنم. بعد از آن بزرگان دیگری این شانس را به من دادند که در کارهای آن‌ها بازی کنم و در ادامه عضو ثابت گروه محمد رحمانیان (گروه تئاتر پرچین) شدم.

شما استعدادهای زیادی دارید که رفته رفته آن‌ها را پیدا کردید، مثل اجرای رادیویی، نوشتن، اجرای تلویزیونی، بازی، خوانندگی، نواختن و... خیلی از آدم‌ها استعدادهای پنهان را پیدا می‌کنند اما دنبال آن نمی‌روند. در قدم اول می‌خواهیم بپرسیم زمان کشف این استعدادها آیا کسانی بودند که شما را به پیگیری آن‌ها ترغیب کنند و آیا هدف گذاری‌های درستی انجام می‌دادید؟

من این مشکل را اول از همه در سیستم آموزشی کشور می‌بینم. اگر از طریق آموزش درست، به موقع وارد حیطه استعدادهای خود می‌شدم؛ خیلی زودتر از بیست و شش، هفت سالگی می‌توانستم توانایی‌ام را بروز دهم. سیستم آموزشی کشور ما در مدارس مدام در حال تغییر است و هنوز به ثبات نرسیده و بسیار بیمار است. این ماجرا در دانشگاه‌ها یک مقدار سامان می‌گیرد اما چه فایده؟ چرا که ابتدا باید از مدارس شروع کرد و این از نظر من ایراد اول است. بعضی‌ها نمی‌توانند به دنبال استعداد خود بروند چون توان گذران زندگی‌شان را ندارند. من یک مسیر خیلی سخت را پشت سر گذاشتم؛ خانواده مرا حمایت می‌کرد اما با این حال به اصرار جدی پدر و مادرم و با اینکه نیازی هم نبود، از پانزده سالگی کار می‌کردم. زمانی که تصمیم گرفتم به دنبال استعدادهایم بروم، قدم‌های اول بسیار هولناک بودند، به دلیل اینکه با هزار و یک گرفتاری توانستم در تست رادیو شرکت کنم و در آن تست قبول شدم. تازه از دواج کرده بودم و زندگی بسیار پرهزینه بود و من اصرار داشتم که بدون کمک گرفتن از کسی، روی پای خودمان بایستیم و همسرم در این راه بسیار به من کمک کرد. من آن زمان مغازه کریستال فروشی داشتم و خیلی شرایط دشواری بود. بعد وارد رادیو شدم و آنجا با حقوق بسیار اندک، شروع به کار کردم. مدام باید تمرین و مطالعه می‌کردم، تئاتر می‌دیدم و وقت فراوانی را برای این کار می‌گذاشتم اما وقتی عشق و علاقه باشد همه این کارها انجام می‌شود. قطعاً پیگیری تأثیر بسیاری دارد. من از زاله صادقیان سوال کردم که این میزان سواد و تسلطش بر ادبیات فارسی از کجا می‌آید و او در جواب گفت: «کار نیکو کردن از پر کردن است»؛ یعنی فقط تمرین و مرارت فراوان. کار هنر، مرارت، رنج و زحمت فراوانی را می‌طلبد و بسیار دشوار و پیچیده است.

در مورد هدف گذاری هم باید بگویم من هیچ وقت به این فکر نکردم که یک سوپر استار و سلبریتی شوم و آدمی باشم که همه مرا بشناسند؛ صرفاً به واسطه اینکه از کار هنری غرق در لذت می‌شوم همیشه دلم می‌خواست آن را انجام بدهم و فکر می‌کنم این تنها کار در جهان است که می‌توانم انجامش دهم چرا